انترناسیونال 791

خلیل کیوان

**انقلاب و ظهور شازده قاجار**

سر و کله یک شازده دیگر هم پیدا شد؛ بابک میرزای قاجار. حالا دیگر مردم می توانند از میان دو سلسله و دو شاهزاده، و البته در یک انتخابات آزاد، یکی را بعنوان پادشاه برگزینند. اکنون دیگر علاوه بر رضا پهلوی، بابک قاجار هم، کاندید سلطنت هستند. البته ایشان، هم تویت های شاهانه مینویسند و هم قوم گرایی را باد میزنند. شازده قاجار در یکی از تویت هایش نوشته است : "اگر قرار باشد شاهنشاهى به ايران برگردد اين حق ماست كه با كودتا و نيرنگ ساقط شديم. نه حق آنهايى كه با انقلاب از حكومت رفتند". البته ایشان خیلی هم از اوضاع پرت نیستند و میدانند استقرار پادشاهی در ایران یک شوخی بیش نیست. این مقام شاهانه در تویتی دیگر می نویسند: "شاهنشاهى در هر نوعش به اين سرزمين نخواهد آمد، اما آنهايى كه اصرار بر برقرارى نظام پادشاهى دارند مى توانند براى خود در اطراف پاسارگارد امپراطورى خيالى را بسازند. آذربايجان و ملت تورك بسوى آزادى و دموكراسى گام خواهد برداشت".

قریب الوقوع بودن انقلاب در ایران راست را به تکاپو انداخته است. همه راه حل های تاکنونی راست برای تغییر و یا جایگزینی و سرنگونی، از اصلاحات و رفراندوم و کودتا تا جنگ و حمله نظامی و غیره به بن بست رسیده است. جامعه با گام های سنگین و استوار بسوی انقلاب گام برمیدارد. از اینرو نگاه راست هم، به خیابان و مردم و انقلاب دوخته شده است. نه فقط رضا پهلوی، بلکه بابک قاجار هم این را متوجه شده است. بابک قاجار الحق یک چیز دیگر را بهتر از رضا پهلوی درک کرده است و آن این است که پادشاهی در ایران شانس ندارد. او ادعای بازگشت به تخت پادشاهی را فقط بصورت رتوریک در مقابل پهلوی بکار میبرد. میرزا که تصور میکند شازده بودن در این شرایط یک سرمایه سیاسی است، میخواهد از قبل آن سری در سرها در بیاورد، غافل از اینکه، این بوی کباب نیست، خر داغ میکنند.

دوره های انقلابی شگفتی سازند؛ صحنه ها را با سرعت عوض میکند، پرسناژها و مدعیان سیاسی رنگارنگی را بمیدان میاورد و یا از میدان بدر میکند، بر دستان خود بلندشان میکند و بر زمینشان میکوبد. انقلاب البته مذاح و شوخی هم میکند. ظهور شازده میرزا از جمله این مذاح ها است. کسی چه میداند، اوضاع که حادتر شود چه بسا سر و کله شاهزادگانی از زندیه و افشاریه و صفویه و حتی سلسه های قبلی و اصحاب کهف هم پیدا شوند.